



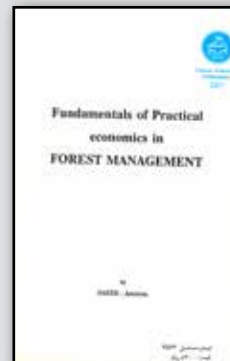
نقدی بر کتاب مبانی اقتصادی - عملی اداره جنگل‌ها؛ نخستین کتاب اقتصاد جنگل در ایران

مهدي حشمت‌الواعظین*

کتاب مبانی اقتصادی - عملی اداره جنگل‌ها نخستین کتاب تألیفی در موضوع اقتصاد جنگل در کشور است. این کتاب، حاصل ۲۳ سال تدریس اقتصاد عمومی، اقتصاد جنگل و ارزشیابی طرح‌های جنگل‌داری در دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران است که به قلم دکتر ارسطو سعید، اولین استاد ایرانی اقتصاد جنگل، تألیف و توسط انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۴ در ۳۶۰ صفحه منتشر و در سال ۱۳۸۶ تجدید چاپ شد. کتاب سعی دارد جنگلبانان را با کاربردهای علم اقتصاد در مدیریت جنگل‌های طبیعی و دست‌کاشت آشنا کند. علاوه بر این، حاوی چهار پیام مهم برای جنگلبانان است که درک آن برای هر جنگلبانی ضروری است. در این نقد، ابتدا پیام‌های کتاب ارائه می‌شود و در ادامه به مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این کتاب اشاره خواهد شد. از آنجایی که کار بشر همیشه قابل بهبود است، هم‌زمان برخی پیشنهادات نیز مطرح می‌شود.

◀ پیام نخست: برداشت از جنگل‌ها گریزناپذیر است

در آغاز کتاب سعی شده که جنگلبانان با مفهوم اقتصاد (Economy) و نقش بنیادی آن در بقای جامعه آشنا شوند و در این چهارچوب، رابطه جنگل با جامعه و اقتصاد را درک کنند. این بخش به بازسازی نگاه و درک درست جایگاه جنگل در اقتصاد و وظیفه جنگلبانان کمک می‌کند. اقتصاد یک جامعه مفهوم پر رمز و رازی نیست! اقتصاد یک جامعه انسانی از مجموع افراد آن (مانند کشاورز، جنگلبان، صنعت‌گر، اعضای خانوار و واحدهای دولتی) ساخته شده که برای گذران زندگی و رفاه با هم تلاش و تعامل می‌کنند تا با تغییر منابع پیرامون خود محصولات موردنیاز جامعه را تولید، توزیع و مصرف کنند. بنابراین، اقتصاد سامانه تولید و مصرف کالاها و خدمات موردنیاز جامعه است. تلاش و تعامل افراد جامعه برای تولید (کسب‌وکار) و مصرف محصولات موردنیاز فعالیت اقتصادی نام دارد. در اثر فعالیت‌های اقتصادی افراد جامعه است که کالاها و خدمات موردنیاز جامعه به‌طور دائم تولید و مصرف می‌شود و جامعه برقرار می‌ماند. جامعه و اقتصاد دو روی سکه زندگی است که هیچ‌یک بدون دیگری باقی نمی‌ماند. اقتصاد برای تأمین نیازهای جامعه منابع آن را تغییر می‌دهد. هرچند پیشرفت‌های بشری در حوزه فناوری و محیط‌زیست ظرافت و پایداری تغییر منابع را بیشتر کرده، اما اصل تغییر منابع، بخش جدایی‌ناپذیر از جامعه و اقتصاد آن است. تا زمانی که برای هیزم، زغال، کاغذ و میز چوبی در اقتصاد تقاضا وجود دارد، حفاظت صرف از کل گستره جنگل‌ها در عمل امکان‌پذیر نیست. حتی اگر تمام نیاز کشور نیز وارد شود، برداشت غیرقانونی از جنگل‌ها اغلب کم‌هزینه‌تر از کالای مشابه وارداتی تمام می‌شود. از این رو، تقاضا



* دانشیار، گروه جنگل‌داری و اقتصاد جنگل، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران
پست الکترونیک: mheshmat@ut.ac.ir



و مصرف محصولات چوبی در هر کشور باعث بهره‌برداری (رسمی یا غیررسمی از جنگل‌های طبیعی) و تولید (در جنگل‌های دست‌کاشت) این محصولات در همان کشور و دیگر کشورهای دنیا می‌شود. بنابراین، توقف برداشت از جنگل در مقیاس وسیع در عمل امکان‌پذیر نیست. کار جنگلبانان متعهد این است که با مدیریت اقتصادی جنگل‌ها ضمن تأمین نیاز جامعه، مانع از تخریب و برداشت بی‌رویه آنها شوند. این اولین مفهومی است که کتاب سعی دارد به جنگلبانان متعهد بیاموزد.

◀ پیام دوم: مدیریت اقتصادی جنگل‌ها گریزناپذیر است جنگل‌ها مانند منابع آب زیرزمینی و آبزیان یکی از منابع مشترک (Common pool resource goods) محسوب می‌شوند که عدم مدیریت درست و تراژدی بهره‌برداری اشتراکی (The tragedy of the commons) یا برداشت بی‌رویه، سبب تخریب آنها می‌شود. در واقع، اقتصاد برای تأمین نیازهای خود به‌طور رسمی و غیررسمی از جنگل‌ها بهره می‌گیرد و به این ترتیب، مدیریت اقتصادی جنگل‌ها برای حذف بهره‌برداری‌های چندگانه و محدود کردن برداشت از جنگل اجتناب‌ناپذیر است. حتی اگر بخواهیم تنها جنگل‌های تخریب‌شده را حفاظت کنیم، باز هم به مدیریت اقتصادی جنگل‌ها برای کاهش هزینه‌ها و افزایش بازدهی حفاظت نیاز داریم. مدیریت اقتصادی جنگل تنها راه حفظ جنگل‌ها و یکی از سه رکن اصلی مدیریت پایدار جنگل (Sustainable Forest Management) است.

◀ پیام سوم: نظارت دولت بر جنگل‌ها گریزناپذیر است

جنگل‌ها کارخانه‌های طبیعی هستند که طیف وسیعی از خدمات عام‌المنفعه را ارائه می‌کنند؛ از تنوع زیستی، حفاظت آب (ذخیره، تصفیه و تعدیل جریان آب) و خاک، تولید اکسیژن و ترپنوئید، ترسیب کربن، تعدیل دما و ارزش زیبایی‌شناختی و تفریحی تا خدماتی که هنوز ناشناخته مانده است. از این رو، ارزش اقتصادی جنگل‌ها برای جامعه (منافع عمومی بلندمدت) بسیار فراتر از ارزش مالی (منافع خصوصی کوتاه‌مدت) محصولات بازاری آن مانند چوب یا میوه‌های جنگلی است. با این حال، جنگل‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت منافع خصوصی کمتری نسبت به کاربری‌های جایگزین مانند کشاورزی ایجاد کنند و در نتیجه به دیگر کاربری‌ها تبدیل شوند. به همین دلیل، حقوق مالکیت جنگل‌ها نسبت به دارایی‌های خصوصی تا حد زیادی کمتر است (Attenuated property rights). به دیگر سخن جنگل خصوصی مانند زمین خصوصی نیست و مالک حق ندارد که به هر روش و به دلخواه خود از جنگل بهره‌برداری یا جنگل را تبدیل کند. در همه جای دنیا بهره‌برداری از جنگل‌ها با هر نوع مالکیتی با نظارت دولت (سازمان جنگل‌ها) و در چهارچوب قانون انجام می‌شود.

◀ پیام چهارم: اقتصاد جنگل گریزناپذیر است

کاربرد علم اقتصاد در جنگل‌داری، مفهوم مهم دیگری در این کتاب است. علم اقتصاد با مطالعه اقتصاد و فعالیت‌های

اقتصادی در حوزه‌های مختلف جامعه می‌تواند به تحلیل و تصمیم درست در آن حوزه کمک کند. بنابراین، نباید اقتصاد جنگل را به بازرگانی و سودجویی از جنگل فرو کاست. اقتصاد جنگل در کنار مبانی اکولوژیک، سیاسی و حقوقی، یکی از مبانی تحلیل و تصمیم‌گیری درست در جنگل‌داری است. برای مثال، با تبدیل طرح‌های جنگل‌داری به طرح‌های حفاظتی، دست‌کم در کوتاه‌مدت، عرضه چوب کاهش می‌یابد و در نتیجه قیمت چوب در بازار رو به افزایش می‌گذارد. به علاوه، از فعالیت‌ها، نیروها و در نتیجه پوشش حفاظتی طرح کم می‌شود. از این رو، شبکه قاچاق، با افزایش قیمت چوب و امکان جذب نیروهای آشنا به منطقه و بیکار طرح‌ها، قدرتمندتر می‌شود. اگر به این تحلیل، افزایش دوره‌ای نرخ ارز و در نتیجه تشدید افزایش قیمت چوب در بازار نیز اضافه شود، می‌توان پیش‌بینی کرد که طرح‌های حفاظتی با تضعیف نیروهای طرح و تشدید قاچاق چوب به تخریب جنگل‌ها کمک خواهند کرد. این تحلیل درست است که می‌تواند مبنای تصمیم‌های درست قرار گیرد. این چهارمین پیام آموزنده کتاب برای جنگلبانان است.

◀ مهم‌ترین موضوعات مطرح شده

مبانی نظری و مبانی عملی در بخش‌های اول و دوم کتاب مطرح شده است. بخش مبانی نظری به مفاهیم پایه اقتصاد جنگل، بازار، اقتصاد تولید، اقتصاد کاربری زمین و کاربرد معیار فاستمن در تعیین سن بهره‌برداری توده‌های جنگلی همسال و حجم بهینه سرپای جنگل‌های ناهمسال و عوامل مؤثر بر آن اختصاص دارد. در این بخش مثال‌های واقعی، ساده و بسیار خوب از شکل منحنی تولید کل با یک نهاده متغیر (تعداد کارگر و بازده روزانه)، منحنی‌های تولید متوسط و نهایی و تولید یکسان (کارگر معمولی و متخصص) و نیز یک مثال فرضی از شکل منحنی امکانات تولید (چوب هیزمی و الواری) ارائه شده است. علاوه بر این، ارائه مثال‌های تیبیک جنگلی مانند منحنی تولید با یک نهاده متغیر در جنگل (منحنی رشد) و منحنی‌های رویش جاری (تولید نهایی) و متوسط (تولید متوسط) سالانه، منحنی تولید یکسان حاصل از دو نهاده آب و کود در توده‌های جنگلی همسال یا مثال واقعی از رابطه تولید چوب هیزمی و الوار یا چوب و علوفه می‌تواند به جذابیت و فهم بیشتر کتاب کمک کند. در بخش مبانی نظری، به اقتصاد جنگل ایران یعنی منابع جنگلی و لیگنوسلولزی کشور و نیز کارخانجات صنایع چوب اشاره شده است. بخش دوم کتاب با عنوان مبانی عملی، به‌طور عمده به طرح موضوع ارزیابی مالی طرح‌های جنگل‌داری در شرایط مخاطره و عدم قطعیت می‌پردازد. هر چند در دو فصل پایانی همین بخش دوباره مبانی نظری معیار فاستمن یا ارزش خالص فعلی تا بی‌نهایت و نیز اتخاذ تصمیم در مورد قطع درخت به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. به نظر می‌رسد ارائه فرمول فاستمن به‌همراه مثال‌های داخلی از توده‌های جنگلی دست‌کاشت و ناهمسال در بخش مبانی نظری مفید خواهد بود.